

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نکات کاربردی دستور زبان فارسی

نوشته: ایرج شهرامی پور

انتشارات ارسطو
(چاپ و نشر ایران)
۱۳۹۶

سرشناسه: شهرامی پور، ایرج، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور: نکات کاربردی دستور زبان فارسی / نوشته‌ی ایرج شهرامی پور.
مشخصات نشر: مشهد: ارسطو، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۹۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۲۲۶-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: فارسی -- دستور
موضوع: Persian language -- Grammar
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ن ۹ ش PIR۲۶۸۷
رده بندی دیویی: ۴۵۴
شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۶۹۵۶۷

نام کتاب: نکات کاربردی دستور زبان فارسی
مؤلف: ایرج شهرامی پور
ناشر: ارسطو (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶
چاپ: مدیران
قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۲۲۶-۳
تلفن های مرکز پخش: ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۰۵۱
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران



فهرست مطالب



صفحه	عنوان
۱۱	مقدمه
۱۳	کاربرد حرف الف (ا) در واژه‌ها و جمله
۱۶	کاربرد حرف (ب) در واژه‌ها و جمله
۱۷	کاربرد حرف «ت» در واژه‌ها و جمله
۱۸	کاربرد حرف «د» در واژه‌ها و جمله
۲۰	کاربرد حرف «ش» در واژه‌ها و جمله
۲۲	کاربرد حرف «ک» در واژه‌ها و جمله
۲۳	کاربرد حرف «م» در واژه‌ها و جمله
۲۵	کاربرد حرف «ن» در واژه‌ها و جمله
۲۶	کاربرد حرف «و» در واژه‌ها و جمله
۲۸	کاربرد حرف «ه» در واژه‌ها و جمله
۲۹	کاربرد حرف «ی» در واژه‌ها و جمله
۳۰	نقش واژه‌ها در جمله
۳۲	نقش‌های تبعی
۳۵	دو حرف اضافه برای یک متمم
۳۶	گذرا و ناگذر بودن افعال

۳۷ افعال ناگذر
۳۸ افعال گذرا
۳۹ تفاوت متمم قیدی با متمم فعلی
۴۰ متمم اسم/ صفت
۴۱ مصدرهای گذرا به مفعول
۴۲ افعال گذرا به مسند
۴۳ مصدرهای گذرا به متمم
۴۴ مصدرهای گذرا به مفعول و متمم
۴۵ افعال گذرا به مفعول و مسند
۴۶ افعال گذرا به متمم و مسند
۴۶ افعال گذرا به مفعول و مفعول (دومفعولی)
۴۷ روش گذرا کردن افعال ناگذر
۴۹ گذرا کردن افعال گذرا به متمم
۵۰ گذرا کردن افعال گذرا به مفعول
۵۱ افعال دو وجهی
۵۲ وجه فعل
۵۵ معلوم و مجهول
۵۹ جمله‌های استثنایی
۶۰ جمله‌های یک جزئی بی فعل
۶۲ جمله‌های دو جزئی بی فعل
۶۳ جمله‌های سه جزئی بی فعل
۶۴ بن ماضی و مضارع تعدادی از مصدرها
۷۱ انواع وابسته‌های اسم
۷۳ فرق ضمیر با صفت

۷۵ وابسته‌های وابسته
۷۹ نکات طلایی ترکیب‌های اضافی و وصفی
۸۲ واج آرایبی
۸۴ نکات طلایی واج
۸۶ الگوهای هجایی در زبان فارسی
۸۸ تکواژ
۸۹ تکواژهای صرفی (تصریفی)
۹۲ تکواژهای اشتقاقی
۹۵ نکات طلایی تکواژها
۱۰۴ واژه
۱۰۵ انواع واژه از نظر ساختمان
۱۰۸ جمله مستقل
۱۱۱ کلمات دو تلفظی
۱۱۳ آیا همه هجاها با صامت آغاز می‌شوند؟
۱۱۵ صامت‌های میانجی
۱۱۹ فرایندهای واجی
۱۲۰ فرآیند واجی کاهش
۱۲۲ فرآیند واجی افزایش
۱۲۴ فرآیند واجی ابدال
۱۲۶ فرآیند واجی ادغام
۱۲۷ جهش ضمیر
۱۲۸ انواع فعل از نظر ساختمان
۱۲۸ فعل ساده
۱۲۹ افعال کمکی

۱۳۱	افعال پیشوندی
۱۳۷	فعل مرکب
۱۳۸	روش‌های تشخیص فعل مرکب
۱۴۱	وجه تشابه افعال مرکب با کلمات مرکب دیگر
۱۴۲	عبارت‌های فعلی
۱۴۶	نکاتی در مورد فعل «کرد»
۱۵۰	تشخیص فعل مرکب از طریق اجزای اصلی جمله
۱۵۲	فرق گروه اسمی با جمله
۱۵۳	روش تشخیص گروه کلمات در جمله
۱۵۵	روش‌های تشخیص هسته در گروه اسمی
۱۵۶	شاخص
۱۵۸	ممیزها
۱۶۰	اسم‌های جمع
۱۶۱	واژه‌های هم‌آوا
۱۶۳	صفت‌ها چه موقع اسمند؟
۱۶۵	روش منفی کردن افعال
۱۶۷	زمان دستوری و زمان تقویمی
۱۶۸	روابط معنایی کلمات
۱۶۹	انواع حذف در جمله
۱۷۰	وضعیت چهارگانه کلمات در گذر زمان
۱۷۲	سرواژه‌ها (علایم اختصاری)
۱۷۳	اسم مصدر در زبان فارسی
۱۷۴	نام آوا
۱۷۵	تکیه

۱۷۶ انواع صفت‌های بیانی
۱۷۸ انواع «را» در زبان و ادبیات فارسی
۱۸۰ کاربردهای متفاوت «ان» در واژه‌ها
۱۸۲ جملهٔ معترضه
۱۸۳ فرق فعل با مصدر
۱۸۴ کژتابی
۱۸۵ اتباع
۱۸۶ حشو
۱۸۷ روش تشخیص ماضی استمراری در متون کهن
۱۸۸ روش تشخیص ماضی نقلی در متون کهن
۱۸۹ روش تشخیص فعل آینده در متون کهن
۱۹۰ روش تشخیص مضارع اخباری در متون کهن
۱۹۲ روش تشخیص مضارع التزامی در متون کهن
۱۹۳ شیوهٔ عادی و شیوهٔ بلاغی
۱۹۴ آثار دیگر نویسنده که تاکنون چاپ و منتشر شده‌اند
۱۹۶ فهرست منابع

به نام خداوندانای راز

مقدمه

در کتابی که پیش رو دارید، تعدادی از نکات کاربردی دستور زبان فارسی نوشته شده است. اکثر نکات مندرج در این کتاب مطالبی هستند که علاقه مندان به فراگیری دستور به آن نیاز دارند. این مطالب به زبانی ساده و با مثال هایی متنوع و پرکاربرد بیان شده است.

در جمع آوری مطالب و تألیف کتاب، علاوه بر استفاده از تجربیات تدریس، از منابع معتبر هم استفاده نموده ایم. امیدوارم که مطالعه این مجموعه، در فراگیری بهتر نکات دستوری مفید باشد.

ایرج شهرامی پور

کاربرد حرف الف (ا) در واژه‌ها و جمله

✓ الف که به شکل (ا) نیز نوشته می‌شود نخستین حرف از حروف الفبای فارسی است که هنگام استفاده در یک کلمه یا جمله، به صورت مصوّت بلند (ا) یا مصوّت‌های کوتاه اَ تلفظ می‌شود.

✓ این حرف اگر در ابتدای کلمات قرارگیرد و علامت مد (~) بر روی آن نباشد با توجه به نوع کلمه و تلفظ آن به صورت اَ، اِ و یا اُ خوانده می‌شود. مانند: اَسب، اِسْم، اُم

✓ در واقع حرف (ا) در چنین کلماتی به صورت حرکت همزه (ء) که پنهان است در ابتدای کلمه ظاهر می‌شود.

از اَ / اِ / اُ / ز /

اُم / اَ / اِ / م /

اِسْم / اَ / اِ / س / م /

✓ این حرف (واج) در چنین کلماتی همیشه دوّمین حرف هجا است.

✓ حرف (ا) اگر در میان و آخر کلمات نیز قرارگیرد به شکل مصوّت بلند (ا) تلفظ می‌گردد. در چنین مواردی معانی متفاوتی دارد و به نام‌های مختلفی نامیده می‌شود که عبارتند از:

✓ **الف ندا:**

خداوندا به فریاد دلم رس کس بی کس تویی ما مانده بی کس

حافظا در کنج فقر و خلوت شب‌های تار تا بُود وردت دعا و درس قرآن غم مخور
سعدیا حبّ وطن گرچه حدیثی است صحیح نتوان مرد به سختی که من این جا زادم

در نمونه‌های بالا ↑ کلمات « خداوندا، حافظا و سعدیا » به الف ندا ختم شده‌اند. کلمات همراه با این حرف که مورد خطاب قرار می‌گیرند از نظر دستوری نقش منادایی دارند.

خداوند، حافظ و سعدی: منادا هستند.

☑ **الف دعا:**

که رستم منم کم مماناد نام نشیناد بر ماتمم پور سام
در چنین حالتی حرف الف (ا) معمولاً با فعل همراه است و بر دعا و نفرین دلالت می‌کند.

مبادا چنین هرگز آیین من سزا نیست این کار در دین من

☑ **الف مناظره:**

از این الف برای بیان گفت و گو و مناظره بین افراد استفاده می‌شود:

گفتم غم تو دارم، گفتا غمت سر آید

بگفتا گر بخواهد هر چه داری بگفت این از خدا خواهم به زاری

☑ **الف کثرت:** برای کثرت و زیادی به پایان صفت یا اسم اضافه می‌شود:

زمانه پندی آزادوار داد مرا زمانه را چو نکو بنگری همه پنداست

به روز نیک کسان گفت تا توغم نخوری بسا کسا که به روز تو آرزومنداست

(بسا = چه بسیار)، (کسا = کسان زیادی)

ور امروز اندرین منزل تو را جانی زیان آید / زهی سرمایه و سودا که فردا زان زیان بینی

(سودا = چه سودهای زیادی)

اگر آن دم بیاموزی تو گفتار درازا، منزلا و مشکلا کار

☑ **الف مبالغه:**

این الف برای مبالغه و اغراق در امری به کار می‌رود.

خوشا شیراز و وضع بی مثالش

☑ یک نوع الف دیگر هم داریم که معمولاً در میان دو کلمه ساده قرار گرفته و یک کلمه مشتق - مرکب می‌سازد.

کشاکش ← کش + ا + کش

برابر ← بر + ا + بر

سراسر ← سر + ا + سر

☑ این الف گاهی در پایان کلمات قرار می‌گیرد و شبه جمله می‌سازد.

دردا ← درد + ا

حسرتا ← حسرت + ا

☑ این الف اگر به آخر بعضی از بن‌های مضارع افعال اضافه گردد، صفت فاعلی نیز ساخته می‌شود:

شنوا ← شنو (بن مضارع شنیدن) + ا

بویا ← بوی (بن مضارع بوییدن) + ا

جویا ← جوی (بن مضارع جُستن) + ا

☑ نکته: الف در چنین کلماتی یک تکواژ و یک وند اشتقاقی محسوب می‌شود.

کاربرد حرف (ب) در واژه‌ها و جمله

✓ «ب» دوّمین حرف از حروف الفبای فارسی است.

مهم‌ترین کاربردهای «ب» در دستور زبان فارسی عبارتند از:

✓ برای ساخت صفت به کار می‌رود:

بخرد ، بهوش ، بنام

✓ جزء پیشین تعدادی از افعال است:

برو ، بروید (فعل امر)

بروم (مضارع التزامی)

✓ گاهی برای تأکید در آغاز افعال ماضی می‌آمده است:

اندر همه آتشکده‌ها آتش بمرد و ملک انوشروان در آن وقت خوابی بدید و انوشروان به خواب اندر چنان دید که بادی از آسمان بیامدی و کوشک او همه ویران کردی و از کنگره‌های کوشک چهارده بماندی.

✓ نکته: این «ب» گاهی قبل از نشانه نفی هم اضافه می‌شده است:

پیش هیچ خلق آن خواب آشکار نکرد و بنگفت.

به هر مُحالی از حال و نهاد خویش بنگردی که بزرگان به هر حقّ و باطلی از جای

نشوند.

کاربرد حرف «ت» در واژه‌ها و جمله

✓ این حرف گاهی به صورت ضمیر پیوسته شخصی به آخر تعدادی از کلمات اضافه می‌شود:

که گفتت برو دست رستم ببند؟ نبندد مرا دست چرخ بلند

گفتت ← به تو گفت (نقش متممی)

ای! کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش وز تشنگی ات فرات در جوش و خروش

ماتمت ← ماتم تو (نقش مضاف الیهی)

تشنگی ات ← تشنگی تو (نقش مضاف الیهی)

بگفت از عشق کارت سخت زار است بگفت از عاشقی خوشتر چه کار است؟

کارت ← کار تو (نقش مضاف الیهی)

✓ در چنین حالتی حرف «ت» معادل ضمیر جدای «تو» است.

گفتم که نوش لعلت مارا به آرزو کشت گفتا تو بندگی کن کاو بنده پرور آید

لعلت ← لعل تو (نقش مضاف الیهی) نوش لعلت ← «ت» در این جا وابسته وابسته است.

کاربرد حرف «د» در واژه‌ها و جمله

حرف «د» اگر به آخر افعال اضافه شود، شناسه است و نهاد پیوسته نامیده می‌شود.

برود، دارد، می‌گوید، خواهد گفت

✓ نکته: گاهی حرف «د» به آخر فعل اضافه می‌شود اما شناسه نیست و جزیی از خود کلمه محسوب می‌شود:

کرد، آمد، داد و ... ← در این گونه افعال «د» جزیی از خود کلمه است.

✓ نکته: «د» زمانی شناسه است که سوم شخص مفرد فعل مضارع باشد.

می‌رود - می‌خواند، می‌آید - برود - بجوید -

✓ نکته: برای تشخیص «د» شناسه از «د» خود کلمه، فعل مورد نظر را صرف می‌کنیم. پس از صرف کردن شناسه‌ها را جدا می‌کنیم. اگر پس از جدا کردن شناسه‌ها از فعل، تمام شش شخص مثل هم بودند، حرف «د» شناسه است در غیر این صورت جزیی از خود کلمه محسوب می‌شود:

فعل	جمع	فعل	مفرد
آمدیم	اول شخص	آمدم	اول شخص
آمدید	دوم شخص	آمدی	دوم شخص
آمدند	سوم شخص	آمد	سوم شخص

✓ اگر شناسه‌ها را به درستی از آخرشان حذف کنیم در تمام شش شخص «آمد» باقی می‌ماند.

اگر به اشتباه از سوم شخص مفرد «آمد» حرف «د» را حذف کنیم آنچه باقی می‌ماند «آم» است که با پنج شخص دیگر فعل یکسان نیست و متوجه خواهیم شد که حرف «د» در این فعل جزء خود کلمه محسوب می‌شود و شناسه نیست.

☑ نکته: شناسهٔ «د» فقط در سوّم شخص افعال مضارع و سوّم شخص فعل ماضی التزامی وجود دارد.

مثال برای فعل مضارع:

فعل	جمع	فعل	مفرد
می رویم	اوّل شخص	می روم	اوّل شخص
می روید	دوّم شخص	می روی	دوّم شخص
می روند	سوّم شخص	می رود	سوّم شخص

مثال برای فعل ماضی التزامی:

فعل	جمع	فعل	مفرد
رفته باشیم	اوّل شخص	رفته باشم	اوّل شخص
رفته باشید	دوّم شخص	رفته باشی	دوّم شخص
رفته باشند	سوّم شخص	رفته باشد	سوّم شخص

کاربرد حرف «ش» در واژه‌ها و جمله

✓ این حرف نیز گاهی به صورت ضمیر پیوسته به آخر تعدادی از کلمات اضافه می‌شود:

خاطرش رنجور است.

«ش» در نقش مفعولی:

بگفتا هر شبش بینی چو مهتاب بگفت آری چو خواب آید، کجا خواب؟
هر شبش ← هر شب او را

«ش» در نقش مضاف الیهی:

بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟ بگفت آنکه که باشم خفته در خاک
مهرش ← مهر او

بگفتا گر خرامی در سرایش بگفت اندازم این سر زیر پایش
سرایش ← سرای او
پایش ← پای او

«ش» در نقش متمم:

نخستین بار گفتش کز کجایی بگفت از دار ملک آشنایی
گفتش ← به او گفت
گفتمش سلسله زلف بتان از پی چیست؟ گفت حافظ گله ای از دل شیدا می‌کرد
گفتمش ← به او گفتم
دشنامم داد. سقطش گفتم. ← به من دشنام داد. به او دشنام دادم.

✓ در چنین حالتی حرف «ش» معادل ضمیر جدای «او» محسوب می‌شود.